

مزایا و معایب رؤیای آمریکایی

استیون اف. مسنر، ریچارد روزنفلد^۱

ترجمه‌ی علی موسی‌نژاد^۲

چکیده

مسنر و روزنفلد در کتاب «جرم و رؤیای آمریکایی» به یکی از مؤلفه‌های غالباً فراموش شده‌ی نظریه‌ی «ساختار اجتماعی و آنومی» مرتن؛ یعنی چرا ایالات متحده چنین نرخ جرم بالایی دارد، می‌پردازند. مسنر و روزنفلد «نظریه‌ی آنومی نهادی» را مطرح کردند که به موضوع آنومی در سطح جامعه می‌پردازد. مثل مرتن درصد تبیین نرخ فوق‌العاده بالای جرم در ایالات متحده هستند. و این هدف را با اشاره به «رؤیای آمریکایی» محقق می‌کنند. مسنر و روزنفلد در تأکید بر این امر که نرخ بالای جرم در ایالات متحده تا حدودی از این واقعیت ناشی می‌شود که جامعه‌ی آمریکا، افراد را به پی‌گیری هدف موفقیت مالی ترغیب می‌کند؛ اما برای ابزارهای مشروع به منظور دستیابی به اهداف، ارزش ناچیزی قائل است، به شدت تحت تأثیر نظریه‌ی آنومی مرتن هستند. به عبارت دیگر، هنجارهای مشروع مقبول به لحاظ فرهنگی فدای هدف می‌شوند که بیش از زندگی اهمیت می‌یابد.

با این حال، مسنر و روزنفلد نظریه‌ی مرتن را هم بسط داده‌اند. در وهله‌ی اول، آن‌ها مدعی هستند که تأکید فرهنگی بر موفقیت مالی با این تصور توأم است که نهاد اقتصاد در دیگر نهادها؛ مانند خانواده، آموزش و حکومت نفوذ می‌کند و بر آن‌ها مسلط می‌شود. استدلال آن‌ها این است که تسلط نهاد اقتصاد تا آن اندازه عملکرد مناسب این نهادها را مختل می‌کند که دیگر به طور مؤثر و به اندازه‌ی کافی نمی‌توانند افراد جامعه را جامعه‌پذیر کنند یا حتی رفتار منحرفانه را کیفر دهند. مسنر و روزنفلد استدلال می‌کنند که اگر جنبه‌های دیگر زندگی آمریکایی بیش از موفقیت مادی مورد تأکید قرار گیرند، ایالات متحده می‌تواند فاقد چنین نرخ جرم بالایی باشد. آن‌ها به اقتصاد مختلط در اروپای غربی و ژاپن به مثابه‌ی نمونه‌هایی از جوامعی اشاره می‌کنند که نشان می‌دهند بر خلاف آنچه در آمریکا وجود دارد، سطحی از رفاه اقتصادی کاملاً به عملکرد اقتصادی وابسته نیست.

واژگان کلیدی: جرم، رؤیای آمریکایی، آنومی نهادی، توازن نهادی قدرت.

¹ - Steven F. Messner & Richard Rosenfeld

² مربی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ایلام و دانشجوی دوره‌ی دکترای جامعه‌شناسی

مزایا و معایب رؤیای آمریکایی

تذکره کتاب حاضر (جرم و رؤیای آمریکایی) این است که «رؤیای آمریکایی»^۱، خود و شرایط اجتماعی ناشی از آن به شدت در مسأله‌ی جرم تجلی می‌یابد. اصطلاح «رؤیای آمریکایی» به مجموعه‌ی خلقیات^۲ فرهنگی اشاره می‌کند که مستلزم پایبندی به موفقیت مادی به مثابه‌ی هدفی است که هر فردی تحت شرایط رقابت آزاد فردی در جامعه باید در پی آن باشد.

اصطلاح رؤیای آمریکایی دو بعد سنجشی^۳ و شناختی^۴ دارد. افراد به صورتی جامعه‌پذیر می‌شوند که مطلوبیت تعقیب هدف موفقیت مادی را بپذیرند و ترغیب شوند تا باور کنند شانس تحقق رؤیای آمریکایی آن‌چنان بالاست که پایبندی مداوم به این هدف فرهنگی را توجیه کند. این باورها و تعهدات در بسیاری جنبه‌ها، معنای عضو فرهنگ پذیرشده‌ی جامعه‌ی ما را مشخص می‌کند. اصطلاح خلقیات به صورت کاملاً تحت‌اللفظی به رؤیای آمریکایی اشاره می‌کند.

بنیان‌های ارزشی رؤیای آمریکایی

به نظر مرتن^۵، آن‌چه ایالات متحده را از دیگر ممالک صنعتی مدرن متمایز می‌کند، خلقیات فرهنگی رؤیای آمریکایی است. خود مرتن یک تعریف رسمی از رؤیای آمریکایی به دست نداد؛ اما به طور کلی می‌توان بر اساس بحثش در باره‌ی فرهنگ آمریکایی، اشاره‌های پراکنده‌ی او به مفهوم رؤیای آمریکایی و نقد و بررسی‌های دیگران در باره‌ی اثرش، یک توصیف موجز منطقی از این جهت‌گیری فرهنگی تنظیم کرد. تعریف ما از مفهوم رؤیای آمریکایی به شرح زیر است: رؤیای آمریکایی عبارت است از پایبندی به موفقیت مادی به عنوان یک هدف که هر فردی باید تحت شرایط رقابت فردی آزاد در جامعه، آن را تعقیب کند.

^۱ - American Dream

^۲ - Ethos

^۳ - Evaluative

^۴ - Cognitive

^۵ - Merton

رؤیای آمریکایی، در جامعه‌ی ما یک نیروی قدرتمند است؛ زیرا تعهدات ارزشی اساسی فرهنگ؛ یعنی جهت-گیری آن در مورد موفقیت^۱، فردگرایی^۲، عام‌گرایی^۳ و شکل ویژه‌ای از ماتریالیسم^۴ که به عنوان «بت‌انگاری^۵ پول» توصیف شده؛ در آن تجلی می‌یابد (تایلر، والتون و یانگ^۶، ۱۹۷۳: ۹۴).

هریک از این جهت‌گیری‌های فرهنگی؛ یعنی تأکید شدید بر اهمیت تحقق اهداف فرهنگی در مقایسه با تأکید نسبتاً ضعیف آن بر اهمیت استفاده از ابزارهای قانونی به منظور تحقق آن اهداف، موجب تقویت ویژگی آنومیک رؤیای آمریکایی می‌شود. پیش از بررسی مجموعه‌ی ارزش‌هایی که زیربنای رؤیای آمریکایی هستند؛ باید نسبت به تفسیر فوق‌العاده ساده‌انگارانه‌ی فرهنگ آمریکایی محتاط باشیم. ایالات متحده، یک جامعه‌ی پیچیده و در بسیاری جنبه‌ها، جامعه‌ای متکثر به لحاظ فرهنگی است؛ نه یک سیستم ارزشی یک‌دست و یک‌پارچه دارد و نه وفاق کاملی درباره‌ی جهت‌گیری‌های ارزشی خاص را به نمایش می‌گذارد. به لحاظ تاریخی، برخی گروه‌ها کاملاً از رؤیای آمریکایی محروم شده‌اند. نمونه‌ی آشکار در این زمینه، برده‌های آمریکایی-آفریقایی شمال پیش از جنگ داخلی آمریکا است. علاوه بر آن، احکام و دستورالعمل‌های فرهنگی از مجرای نقش‌های جنسیتی پالایش می‌شوند. در واقع، بعداً استدلال خواهیم کرد که تفسیر رؤیای آمریکایی در مورد زنان و مردان تا اندازه‌ی زیادی متفاوت است. با وجود این، ما با این ادعای جنیفر هاکشیلد^۷ موافق هستیم که رؤیای آمریکایی به عنوان مجموعه‌ی خلقیات فرهنگی که تمام رقابت‌کنندگان باید با آن دست و پنجه نرم کنند؛ ویژگی معرف فرهنگ آمریکایی بوده و همچنان خواهد بود (هاکشیلد، ۱۹۹۵: xi). بنابراین، فهم مناسب مسأله‌ی جرم در ایالات متحده بدون ارجاع به مجموعه‌ی ارزش‌های زیربنای آمریکایی؛ یعنی موفقیت، فردگرایی، عام‌گرایی و ماتریالیسم امکان‌پذیر نیست.

موفقیت

ویژگی متمایز فرهنگ آمریکایی، جهت‌گیری شدید آن به سوی موفقیت است. افراد تشویق می‌شوند که خودشان کسی باشند، اهدافی را برای خودشان مشخص کنند و برای رسیدن به آن‌ها تلاش نمایند. در عین حال، ارزش افراد بر اساس برآیند این تلاش‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، موفقیت، معیار نهایی

¹ - Achievement

² - Individualism

³ - universalism

⁴ - Materialism

⁵ - Fetishism

⁶ - Taylor, Walton & Young

⁷ - Jenifer Hochschild

ارزش یک شخص است. با فرض این جهت‌گیری ارزشی، ناتوانی در موفقیت به آسانی با ناتوانی در یک مشارکت معنادار در جامعه یکسان تلقی می‌شود. به همین دلیل، فشارهای فرهنگی برای موفقیت با هر هزینه‌ای شدید است. به این طریق، گرایش شدید به موفقیت در سطح ارزش‌های اساسی فرهنگی تا اندازه‌ی زیادی منجر به این ذهنیت می‌شود که: «مهم نیست چگونه بازی می‌کنید»، بلکه «مهم این است بازی را ببرید یا ببازید» (أرو^۱، ۱۹۹۰: ۲۳۴).

فردگرایی

فردگرایی، دومین جهت‌گیری عمده در کانون فرهنگ آمریکایی است. آمریکایی‌ها شدیداً به حقوق و خودمختاری فردی پای‌بند هستند. این دغدغه در مورد فرد، هنگامی که با گرایش شدید به موفقیت ترکیب شود، تمایل به آنومی را تشدید می‌کند. افراد تشویق می‌شوند هنگام تعقیب موفقیت، به خود متکی باشند و به جایی برسند. از این‌رو، اعضای جامعه برای دستیابی به پاداش‌های اجتماعی و در نهایت، اعتبار بخشیدن به ارزش شخص خود، به رقیب یکدیگر تبدیل می‌شوند.

عام‌گرایی

عام‌گرایی، سومین جهت‌گیری ارزشی عمده در فرهنگ آمریکایی است. درونی کردن اهداف فرهنگی جامعه‌ی آمریکا مسلماً کیفیت‌ی دموکراتیک دارد. به استثنای برخی موارد، هر فردی ترغیب می‌شود که در پی ترقی اجتماعی باشد و هر فردی بر اساس دستاوردهای فردی‌اش قابل ارزیابی است. فایده‌ی مهم این حق همگانی در اندیشیدن به موفقیت این است که زیان عدم موفقیت هم همگانی است.

«بت‌انگاری» پول

بالاخره، موفقیت در فرهنگ آمریکایی به شیوه‌ی خاصی (از طریق انباشت امتیازات مالی) ابراز می‌شود. در فرهنگ آمریکایی، اولویت خاصی به پول داده می‌شود. همان‌طور که مرتن اظهار کرد، «پول فی‌نفسه بیش از آن که برای اقلام مصرفی هزینه شود یا به منظور افزایش قدرت مورد استفاده قرار گیرد، در یک مقیاس گسترده به عنوان یک ارزش تقدیس می‌شود. نکته‌ای که باید بر آن تأکید کنیم، این نیست که آمریکایی‌ها به طرز منحصر به فردی ماتریالیست هستند؛ چرا که در همه‌ی جوامع علاقه‌ی شدیدی به رفاه مادی وجود دارد؛ بلکه ویژگی متمایز فرهنگ آمریکایی، نقش ممتاز پول به عنوان معیار اندازه‌گیری موفقیت است. چیزی که در اینجا بسیار

¹ - Orru

مهم می‌نماید، اهمیت موفقیت با توجه به امتیازات مالی است. موفقیت مالی ذاتاً بی‌منتهاست. اصولاً داشتن پول بیش‌تر همیشه امکان‌پذیر است. از این رو، رؤیای آمریکایی «هیچ حد یقف نهایی ندارد» و این امر ایجاب می‌کند که موفقیت را پایانی نباشد (مرتن، ۱۹۶۸: ۱۹۰؛ پاساس^۱، ۱۹۹۰: ۱۵۹).

در مجموع، الگوهای ارزشی مسلط در فرهنگ آمریکایی - به ویژه جهت‌گیری آن در مورد موفقیت، فردگرایی رقابتی آن، عام‌گرایی‌اش در جهت‌گیری‌ها به سوی هدف، و معیارهای ارزیابی آن، هنگامی که در مورد موفقیت مالی به عنوان یک هدف ممتاز مورد استفاده قرار می‌گیرند- در خلیقات فرهنگی متمایز رؤیای آمریکایی تبلور می‌یابند.

بنابراین؛ نیروهای فرهنگی، نقش ممتازی در تبیین ما از میزان بالای جرم در جامعه‌ی آمریکا ایفا می‌کنند. با وجود این، تبیین جامعه‌شناختی کامل جرم باید از ویژگی‌های فرهنگ فراتر رفته و عوامل اجتماعی ساختاری مرتبط با آن را هم در برگیرد. فرهنگ به صورت جدا از ساختار اجتماعی وجود ندارد، بلکه عمدتاً در ساختار اجتماعی تجلی می‌یابد، به وسیله‌ی ساختار اجتماعی بازتولید^۲ می‌شود و ساختار اجتماعی گه‌گاه بر سر راه آن مانع ایجاد می‌کند. بنابراین، هر تبیین جامعی که بر «فرهنگ» به عنوان علت جرم تأکید می‌کند، باید دامنه‌ی مناسب شرایط ساختاری را که منشأ فرهنگی جرم از طریق آن وارد عمل می‌شود، هم در نظر بگیرد. به عقیده‌ی ما، آرایش‌های نهادی جامعه، مهم‌ترین شرایط چنین ساختاری هستند.

ماهیت و عملکرد نهادهای اجتماعی

نهادهای اجتماعی، عناصر اصلی تمام جوامع هستند. به معنای دقیق کلمه، نهادها موضوع اساسی تحلیل در سطح کلان را تشکیل می‌دهند. کارکرد نهادها در نظام‌های اجتماعی با کارکرد غرائز در ارگانسیم‌های زیستی مقایسه شده‌اند؛ هردو، رفتار را در راستای برآوردن نیازهای اساسی سیستم هدایت می‌کنند. نیازهای اجتماعی اساسی که نهادها بر محور آن‌ها شکل می‌گیرند، عبارتند از نیاز به: (۱) انطباق با محیط؛ (۲) بسیج و آماده کردن منابع جهت تحقق اهداف جمعی؛ (۳) جامعه‌پذیر کردن اعضا برای پذیرفتن الگوهای هنجاری اساسی در جامعه (داونز و راک^۳، ۱۹۸۲؛ پارسونز^۴، ۱۹۵۱).

^۱ - Passas

^۲ - Reproduce

^۳ - Downes & Rock

^۴ - Parsons

انطباق با محیط، وظیفه‌ی اصلی نهادهای اقتصادی است. نهاد اقتصاد متشکل از فعالیت‌هایی است که پیرامون تولید و توزیع کالاها و خدمات سازمان یافته‌اند. کارکرد نهاد مذکور عبارت است از: رفع نیازهای اساسی مادی از قبیل نیاز به غذا، پوشاک و مسکن به منظور بقای انسان.

نظام سیاسی (حکومت)، قدرت را به منظور دستیابی به اهداف مشترک بسیج و توزیع می‌کند. هدف مشترکی که اهمیت ویژه‌ای دارد؛ عبارت است از حفظ امنیت عمومی. مسئولیت‌های نهادهای سیاسی عبارتند از: محافظت از افراد جامعه در مقابل تهاجم خارجی، کنترل جرم و بی‌نظمی در جامعه و فراهم کردن مجرای برای حل تضادها بر سر منابع (باسیس، گلس، و لوین^۱، ۱۹۹۱: ۱۴۲). مجاری مربوط به سیستم‌های عدالت مدنی و جنایی به مثابه‌ی جزئی از حکومت، مسئولیت عمده‌ای در کنترل جرم و رفع تضادها به صورت قانونی دارند.

نهاد خانواده، مسئولیت اصلی تنظیم فعالیت جنسی و جایگزینی اعضای جامعه را بر عهده دارد. این فعالیت‌ها عبارتند از: تثبیت و تأکید شدید بر رعایت حدود روابط جنسی مشروع در میان بزرگسالان، مراقبت جسمی و پرورش فرزندان، و درونی کردن ارزش‌ها، اهداف و باورهای فرهنگ مسلط در آن‌ها. به طور کلی‌تر خانواده‌ها بخش عمده‌ی مسئولیت مراقبت از اشخاص تحت تکفل در جامعه (به عنوان مثال؛ مراقبت از افراد علیل و سالخورده) را هم بر عهده دارند. علاوه بر آن، کارکرد به ویژه مهم خانواده در جوامع مدرن عبارت است از: تأمین حمایت عاطفی از اعضا. خانواده تا اندازه‌ی قابل توجهی به عنوان یک پناهگاه در مقابل تنش‌ها و استرس‌های ناشی از قلمروهای نهادی دیگر عمل می‌کند.

نهاد آموزش در بسیاری از کارکردهای جامعه‌پذیری خانواده سهیم است. مدارس مانند خانواده، مسئولیت انتقال معیارهای فرهنگی اساسی به نسل‌های جدید را بر عهده دارند. مدارس در جوامع صنعتی مدرن، هم‌چنین، در راستای آماده کردن جوانان برای پذیرفتن نقش بزرگ‌سالی و به ویژه نقش شغلی طراحی می‌شوند. هم‌چنین از نهاد آموزش انتظار می‌رود سازگاری شخصی افراد را افزایش داده، رشد استعدادهای انسانی افراد را تسهیل کرده، و سطح دانش عمومی فرهنگ را ارتقا دهد.

این چهار نهاد اجتماعی - اقتصاد، حکومت، خانواده و آموزش - کانون اصلی تحلیل ما درباره‌ی جرم هستند. البته، آن‌ها تمام ساختار جوامع مدرن را تشکیل نمی‌دهند و هم‌چنین، تنها نهادهای مرتبط با جرم نیستند. به عنوان مثال: مذهب و ارتباطات جمعی، موضوع تحقیقات جرم‌شناختی مهمی هستند (استارک، کنت و دویل^۲،

^۱ - Bassis, Gelles & Levine

^۲ - Stark, Kent & Doyle

۱۹۸۲؛ یورتی^۱، ۱۹۹۲)؛ اما به نظر ما، نهادهای اقتصاد، حکومت، خانواده و آموزش برای آنچه که می‌توان «فهم نهادی» جرم نامید، اهمیت کانونی دارند. بنابراین، هر جامعه‌ی معینی با یک آرایش نهادی خاص متمایز می‌شود که بازتاب توازن ادعاها و الزامات بعضاً رقیب درباره‌ی نهادهای گوناگون است که توازن نهادی متمایزی را به ایجاد می‌کند.

رؤیای آمریکایی و توازن نهادی قدرت

عناصر هسته‌ای رؤیای آمریکایی - تمایل شدید به موفقیت، پای‌بندی به فردگرایی رقابتی، عام‌گرایی و مهم‌تر از همه، ستایش موفقیت مادی - ریشه در نهاد اقتصاد دارند. مهم‌ترین ویژگی نهاد اقتصاد در ایالات متحده، ماهیت کاپیتالیستی آن است. ویژگی‌های تعیین‌کننده‌ی هر اقتصاد کاپیتالیستی عبارتند از: مالکیت خصوصی، کنترل دارایی و سازوکارهای بازار آزاد به منظور تولید و توزیع کالاها و خدمات.

این آرایش‌های ساختاری موجب و متضمن جهت‌گیری‌های فرهنگی خاصی هستند. برای آن که نهاد اقتصاد به صورت کارآمد فعالیت کند، مالکان خصوصی ثروت باید سودمحور و مشتاق سرمایه‌گذاری باشند، و کارگران باید به مبادله‌ی نیروی کارشان برای دستمزد تمایل داشته باشند. سازوکار انگیزشی زیربنای این شرایط، امید به بازده مالی است. بنابراین، پیش‌فرض منطق درونی اقتصاد کاپیتالیستی این است که جاذبه‌ی امتیازات مالی به عنوان نتیجه‌ی موفقیت در بازار میان تمام جمعیت شایع می‌شود.

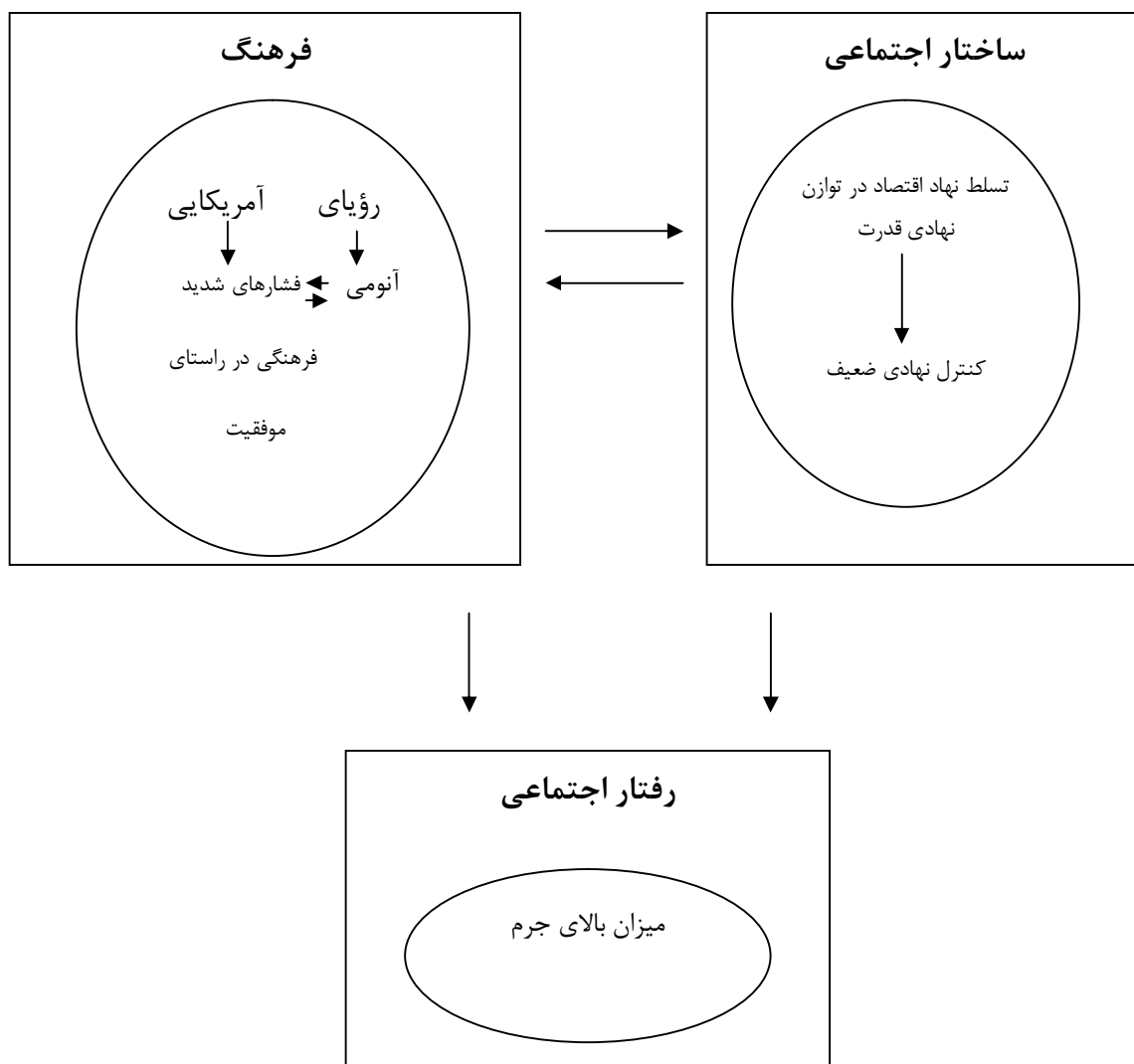
اقتصاد کاپیتالیستی هم‌چنین، برای همه‌ی کسانی که درگیر آن هستند؛ یعنی صاحبان ثروت و کارگران، به طور یکسان بسیار رقابتی است. شرکت‌هایی که قادر به منطبق ساختن خود با تقاضاهای در حال تغییر مصرف‌کنندگان یا نوسانات چرخه‌ی کسب و کار نباشند، احتمالاً ورشکست می‌شوند؛ کارگرانی که پایه‌ی اقتصاد در حال تغییر فنی پیش نروند، یا آن‌هایی که در مقایسه با دیگران پُرکار نباشند، احتمالاً اخراج می‌شوند. این رقابت شدید، بازیگران عرصه‌ی اقتصاد را از پای‌بندی به روش‌های متعارف انجام امور دلسرد کرده و برعکس، آن‌ها را تشویق می‌کند فنون جدید را در صورتی که مزایایی برای تحقق اهداف اقتصادی داشته باشند، جایگزین فنون مرسوم بکنند. بنابراین، اقتصاد کاپیتالیستی بر مبنای ماهیتش، روحیه‌ی رقابتی نوآورانه را پرورش می‌دهد. مردان و زنان «شریک‌هایی» هستند که بر اساس پیمان ازدواج، «تقسیم کار» در درون خانه را اداره می‌کنند. ما از برخی تغییرات مشابه در ترمینولوژی مربوط به خویشاوندی یا هنجارهای گروهی اولیه، از خانواده گرفته تا محل کار آگاه هستیم.

¹ - Surette

به طور خلاصه؛ ویژگی منحصر به فرد سازمان اجتماعی ایالات متحده، تسلط چشم‌گیر نهاد اقتصاد در توازن نهادی قدرت است. بر اثر تسلط اقتصاد، گرایش ذاتی اقتصاد کاپیتالیستی به هدایت اعضای جامعه جهت تعقیب مهارنشده‌ی موفقیت اقتصادی به میزان بسیار زیادی افزایش می‌یابد. این گرایش در سطح فرهنگی به صورت اولویت‌بخشی به تعقیب فردگرایانه‌ی مبتنی بر رقابت موفقیت به عنوان یک هدف برجسته - رؤیای آمریکایی - و عدم تأکید نسبی بر اهمیت استفاده از وسایل هنجار پسند به منظور رسیدن به هدف - آنومی - ظاهر می‌شود. بنابراین، ماهیت آنومیک رؤیای آمریکایی و ساختار نهادی جامعه‌ی آمریکا و ساختار اجتماعی جامعه‌ی مذکور، یکدیگر را به طور متقابل تأیید و تقویت می‌کنند.

آنومی و تضعیف کنترل اجتماعی

شکل‌گیری میزان بالای جرم بر هر دو ویژگی اصلی سازمان اجتماعی ایالات متحده - فرهنگ و ساختار نهادی - دلالت می‌کند. در سطح فرهنگی، خلیقات مسلط رؤیای آمریکایی موجب تحریک انگیزه‌های مجرمانه شده و در عین حال، یک محیط هنجاری ضعیف (آنومی) را ایجاد می‌کند. در سطح نهادی، تسلط اقتصاد در توازن نهادی قدرت، کنترل اجتماعی ضعیف را تقویت می‌کند. و همان‌طور که توضیح داده شد، ساختار فرهنگی و نهادی، هردو، متقابلاً به یکدیگر وابسته‌اند. این روابط متقابل بین فرهنگ، ساختار اجتماعی و جرم به صورت شماتیک در شکل (۱) نشان داده شده است.



شکل (۱): مدل تحلیلی رابطه‌ی بین سازمان اجتماعی کلان و جرم

مضمون متمایز رؤیای آمریکایی موجب تحریک انگیزه‌های مجرمانه به وسیله‌ی فرهنگ می‌شود. با فرض اینکه هر فردی برای دستیابی به موفقیت به شدت و مدام تحت فشار قرار می‌گیرد، این موفقیت در یک هدف مالی ذاتاً غیرقابل دسترس معنا می‌یابد. افراد، خواسته‌ها و تمایلاتی را بروز می‌دهند که برآوردنشان در درون محدوده‌ی قانوناً مجاز رفتار اگر غیرممکن نباشد، لاقلاً دشوار است. این ویژگی رؤیای آمریکایی به تبیین رفتار

مجرمانه با استفاده از یک ویژگی ابزاری؛ یعنی رفتاری که مزایای مالی را فراهم می‌آورد، کمک می‌کند. این نوع رفتار، تخلفات یقه‌سفیدها، جرائم خیابانی از قبیل سرقت، خرید و فروش مواد مخدر، و دیگر جرائمی را که بر اثر فعالیت‌های مذکور رخ می‌دهند، در بر می‌گیرد.

در عین حال، رؤیای آمریکایی ممنوعیت‌های شدیدی بر ضد جایگزین ساختن وسایل نامشروع کارآمدتر با وسایل مشروع کم‌تر کارآمد در تعقیب موفقیت مالی اعمال نمی‌کند؛ برعکس، در رؤیای آمریکایی پیام خاص فرهنگی همراه با موفقیت مالی به عنوان یک هدف، کاهش ارزش تقریباً بیش‌تر وسایل کارآمد به لحاظ فنی است. به طور کلی این جهت‌گیری آنومیک نه فقط به میزان بالای جرم، بلکه به آشکال خشن جرائم اقتصادی از قبیل جیب‌بری، ربودن ماشین همراه با سرنشینان و ... منجر می‌شود که در سراسر جهان، ایالات متحده را با آن‌ها می‌شناسند.

البته، رؤیای آمریکایی همه‌ی مؤلفه‌های فرهنگ را در بر نمی‌گیرد. دیگر عناصر فرهنگ، بر مشروعیت ممنوعیت‌های قانونی و مطلوبیت رفتار قانونی صحه می‌گذارند. اصولاً این نوع عناصر فرهنگ، فشارهای آنومیک ناشی از رؤیای آمریکایی را تعدیل می‌کنند؛ اما همان پوشش‌های نهادی که فشار در راستای «نوآوری» جهت تعقیب اهداف اقتصادی را افزایش می‌دهد؛ در واقع، احتمال تعدیل فشارهای آنومیک ذاتی رؤیای آمریکایی از طریق نیروهای فرهنگی دیگر را نیز کاهش می‌دهد.

سرانجام، به نظر ما این آنومی تعمیم‌یافته، میزان فوق‌العاده بالای خشونت مرتبط با استفاده از تفنگ را در ایالات متحده تبیین می‌کند. در تحلیل نهایی، انواع تفنگ، ابزارهای بسیار کارآمدی برای افزایش آسودگی خاطر هستند. به عبارت دیگر، علاقه‌ی شدید آمریکایی‌ها به داشتن تفنگ و استفاده از آن، منعکس‌کننده‌ی جهت‌گیری فرهنگی آنومیک کلی‌تر؛ یعنی تمایل به تعقیب اهداف با استفاده از هرگونه وسیله‌ی لازم است. سازمان‌دهی اجتماعی اساسی ایالات متحده، موجب افزایش میزان بالای جرم به شیوه‌ای دیگر می‌شود. نهادهایی از قبیل خانواده، مدارس و حکومت نه تنها مسئولیت جامعه‌پذیری و به تبع آن، کنترل هنجاری مرتبط با فرهنگ، بلکه نوع بیرونی‌تر کنترل اجتماعی مرتبط با ساختارهای اجتماعی را نیز بر عهده دارند. کنترل بیرونی از طریق درگیر شدن فعال افراد در نقش‌های نهادی و توزیع پاداش‌ها و مجازات‌ها به وسیله‌ی نهادها امکان‌پذیر است...

نهادهای ضعیف چالش‌برانگیز هستند. تحت شرایط فردگرایی فوق‌العاده رقابتی، افراد به طور فعال در مقابل کنترل از سوی نهادها مقاومت می‌کنند. آن‌ها نه تنها از چنگ نهادهای ضعیف خلاص می‌شوند، بلکه در مواردی از روی عمد و با خوشحالی خود را از چنگ آن‌ها خارج می‌کنند. بنابراین، مسأله‌ی نیروی تنظیم‌کننده‌ی درونی

هنجارهای اجتماعی (آنومی) از مسأله‌ی کنترل بیرونی توسط نهادهای اجتماعی غیرقابل تفکیک است. جوامع آنومیک اعمال کنترل اجتماعی بر رفتار افرادی را ضرورتاً دشوار و پرهزینه می‌یابند که در استفاده از هر وسیله-ای که کارآیی‌اش در رسیدن به اهداف شخصی‌شان اثبات شده، احساس آزادی می‌کنند. از این رو، همین پویای اجتماعی و فرهنگی که باعث تضعیف نهادهای آمریکایی می‌شود، توانایی و حق به چالش کشیدن کنترل‌های نهادی را هم به آمریکایی‌ها می‌دهد. اگر آمریکایی‌ها تا این اندازه در مقابل کنترل اجتماعی مقاومت می‌کنند - و در نتیجه، در مقابل وسوسه‌های مجرمانه آسیب‌پذیر هستند - مقاومت آنان به این دلیل است آن‌ها در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که تعقیب آزادانه‌ی موفقیت مادی فردی را بیش از همه‌ی ارزش‌های دیگر تقدیس می‌کند. در ایالات متحده، آنومی یک فضیلت تلقی می‌شود.

پی‌نوشت

این مقاله با عنوان Crime and American Dream در منبع زیر منتشر شده است.

Source: Cote,Suzette(ED).(2002).Criminological Theories: Bridging The Past To The Future. Sage Publication.

THE VIRTUES AND VICIES OF THE AMERICAN DREAM

STEVEN F. MESSNER & RICHARD ROSENFELD

TRANSLATED BY: ALI MOUSANEJAD

Abstract. In their text *Crime and the American Dream*, Messner and Rosenfeld attempt to address an often neglected component of Merton's theory of "social structure and anomie", namely why the United States has such a high rate of crime. Messner and Rosenfeld present an "institutional anomie" theory, which addresses the issue of anomie at the societal level. Like Merton, Messner and Rosenfeld seek to explain the excessively high rate of crime in the United States. They accomplish this goal by pointing to the "American Dream". Messner and Rosenfeld draw heavily from Merton's anomie theory, asserting that the high rate of crime in the United States stems partly from the fact that our society encourages everyone to pursue the goal of monetary success but places little value on the legitimate means for achieving that success. In other words, the legitimate, culturally accepted norms are sacrificed for the goal itself, which becomes larger than life.

However, Messner and Rosenfeld also extend Merton's theory. Primarily, they maintain that the cultural emphasis on monetary success parallels the notion that the economy pervades and dominates every other institution in America, including the family, education, and polity. They argue that the dominance of the economy interferes with the proper functioning of these institutions to such a great extent that they can no longer effectively and adequately socialize individuals or even sanction deviant behavior. Messner and Rosenfeld argue that if other aspects of American life were emphasized over material success, the United States might not have such a high crime rate. They point to the mixed economies of Western Europe and Japan as examples of societies that ensure that a level of economic well-being is not completely dependent upon economic performance, as it is in the United States.

Although their "institutional anomie" theory is still undergoing empirical testing, their theory provides important consideration of societal differences in crime rates. Additionally, their approach forces Americans to answer some tough questions about the core values that underlie the American Dream. In other words, maybe we should ask whether this emphasis placed on monetary success (seemingly, by any means necessary) is something we really want for our society.

KEY WORDS: Crime, American Dream, Institutional Anomie, Institutional Balance Of power.